

بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان

در اداره بهینه امور شهری

اصغر احمدی*

محمود توکلی**

چکیده

روش انجام این تحقیق پیمایشی (Survey) و حجم نمونه ۱۰۸۸ نفر از شهروندان بالای ۱۸ سال منطقه ۱۷ تهران بوده است. یافته‌های توصیفی تحقیق در مورد متغیرهای اصلی مشارکت نشان می‌دهند در مجموع میزان گرایش به مشارکت در امور شهری بیشتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. سابقه مشارکت، شناخت از مفهوم مشارکت، احساس تعلق به محل سکونت و ارزیابی پیامدهای مشارکت، مهم‌ترین عواملی هستند که گرایش به مشارکت را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، شهروندان، امور شهری، منطقه ۱۷ شهرداری، مدیریت شهری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* پژوهش حاضر با هدف دستیابی به شناخت بیشتر در زمینه عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در اداره شهر و عرضه الگوی مناسب جهت مشارکت شهروندان در اداره امور شهری طراحی و اجرا شده است.

** عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی و مدیر گروه مطالعات کاربردی فرهنگی معاونت فرهنگی

** پژوهشگر ایسپا

مقدمه

مشارکت در امور از دیر باز مورد توجه انسان‌ها بوده و پدیده‌ای نوین محسوب نمی‌شود و می‌توان آن را با مفاهیمی نظیر همکاری، تعاون، مساعدت و یاری‌گری مرتبط دانست (شادی طلب، ۱۳۸۲: ۲۸). با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به عرصه‌های مختلف زندگی، امروزه سخن از وضعیتی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند. یکی از جدیدترین عرصه‌های بروز مشارکت «مشارکت شهروندان در اداره امور شهراست» که این نوع مشارکت با رشد شهرنشینی، توجه برنامه‌های توسعه به جلب مشارکت مردم و افزایش آگاهی مردم نسبت به این امر و از همه مهم‌تر رشد طبقه متوسط اهمیتی دو چندان یافته است. چنین مشارکتی موجب می‌شود شهرنشینان از حالت سکونت صرف در مکانی به نام شهر خارج و به «شهروند» تبدیل شوند.

در کشور ما مفهوم مشارکت پدیده‌ای تازه تلقی نمی‌شود و در قالب‌های سنتی خود نظیر همیاری و یاری‌گری سابقه‌ای طولانی در حیات اجتماعی مردم دارد. اما به نظر می‌رسد به موازات رشد شهرنشینی و به تبع آن تغییر الگوهای مشارکت، لزوم بازنگری در الگوهای سنتی مشارکت بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان بر اساس آن زمینه‌های مشارکت گسترده و فراگیر شهروندان را در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی فراهم آورد. تلاش برای شکل‌گیری نهادهای مدنی شهری که دغدغه دولت و جامعه است و نیز تاسیس شوراهای اسلامی شهرها و حضور نمایندگان شهروندان در نظام مدیریت شهری که اینک دومین دوره فعالیت خود را تجربه می‌کند گواهی بر اهمیت روز افزون این مسئله است.

امروزه پس از سالیان متمادی تجربه مدیریت شهری متمرکز، اکثر صاحب‌نظران امور شهری به این نتیجه رسیده‌اند که چنین مدیریتی در مقایسه با روش‌های مشارکتی که با همکاری و مشارکت ذی‌نفعان اصلی امور شهر (مردم) انجام می‌شوند موفقیت‌چندانی در اداره شهرها ندارد. از طرف دیگر تلاش‌هایی که در چند سال اخیر جهت جلب و گسترش مشارکت مردم در اداره امور شهرها صورت گرفته است هر چند در جای خود ارزشمند است، نتوانسته از نظر کیفیت و کمیت نیازهای رو به توسعه شهروندان را در این زمینه بر آورده سازد؛ طوری که اغلب مدیران امور شهری یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات اداره شهرها را پائین بودن مشارکت شهروندان در اداره شهرها می‌دانند (نقدی، ۱۳۸۲: ۲۳۱). بنابراین، به نظر می‌رسد در چنین اوضاعی علاوه بر تغییرات انجام شده در شکل و ظاهر مدیریت شهری که از شیوه انتصابی به انتخابی متحول شده است، محتوای نظام مدیریتی نیز می‌بایست از رویکردهای مبتنی بر تمرکزگرائی به روش‌های از پائین به بالا که به مشارکت به عنوان هدف و نه وسیله‌ای جهت دستیابی به موفقیت می‌نگرند، تغییر یابد و این مهم جز از طریق تلاش علمی و برنامه‌ریزی شده که بر پایه شناخت کافی از مسئله استوار باشد به دست نمی‌آید، چیزی که تحقیق حاضر در پی حصول بدان است.

هدف کلی تحقیق حاضر نیز دستیابی به شناخت بیشتر در زمینه مشارکت شهروندان در اداره شهر محسوب می‌شود که اهداف فرعی ذیل از آن قابل نتیجه‌گیری است:

۱. بررسی میزان تمایل شهروندان منطقه ۱۷ به مشارکت در اداره امور شهری در منطقه خود.
۲. بررسی زمینه‌های فرهنگی و هنجاری مشارکت.
۳. بررسی میزان امکان‌پذیری مشارکت در امور منطقه.

۴. بررسی ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای موثر بر مشارکت.

۵. عرضه الگوی مناسب جهت مشارکت شهروندان در اداره امور شهری منطقه ۱۷.

چارچوب نظری

از اواخر دهه ۵۰ میلادی، به دنبال شکست برنامه‌های توسعه مبتنی بر دیدگاه نوسازی مفهوم مشارکت و توسعه مشارکتی در ادبیات توسعه مطرح شد. عدم موفقیت این برنامه‌ها در رسیدن به اهداف خود، این باور را تقویت کرد که فقدان مشارکت‌های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها، موجب ناکامی آنها شده است. از این رو در واکنش به این امر، مفهوم مشارکت مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفت و فرآیندهای تقویت‌کننده مشارکت مردم، به عنوان زمینه اصلی توسعه مطرح شد. این دیدگاه که در بررسی مفهوم مشارکت دیدگاهی ابزار گرایانه محسوب می‌شود، مشارکت را به خودی خود هدف نمی‌داند، بلکه آن را ابزاری جهت توفیق برنامه‌های توسعه در نظر می‌گیرد. از این رو برای توجیه لزوم مشارکت، بر آثار آن در توسعه تاکید دارد و کاهش هزینه‌ها، پذیرش اجتماعی برنامه‌ها، جذب منابع بیشتر و... را به عنوان مزایای اصلی آن بر می‌شمارد. برنامه‌ها و اقداماتی که براساس چنین رویکردی به اجرا درآمدند با توفیق زیادی در جلب مشارکت مردم مواجه نشدند و به تدریج رویکردهای دیگری در این زمینه مطرح شد که مشارکت را نه به عنوان ابزار، بلکه در مقام هدف مورد توجه قرار می‌دادند. در این دیدگاه مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به خودی خود هدف محسوب می‌شود و از طریق آن توانایی‌ها و خلاقیت‌های انسان به عنوان موجودی عقلانی و ارتباط جو فعلیت می‌یابد. از این رو مشارکت در سیاست و در فعالیت سازمان‌های اجتماعی وظیفه شهروند فعال به شمار می‌رود و نه صرفاً وسیله‌ای برای تأمین نیازها و منافع شخصی یا کسب فایده. برنامه‌هایی که با چنین رویکردی به مسئله مشارکت می‌نگرند عمدتاً دارای ویژگی‌های زیرند:

۱. با همکاری و مشارکت ذی‌نفعان اصلی یعنی مردم انجام می‌شوند.

۲. قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را به ذی‌نفعان تفویض می‌کنند.

۳. موجب بالا رفتن آگاهی و توانمند سازی مردم می‌شوند.

۴. به ذی‌نفعان اصلی کمک می‌کنند تا با تعامل اندیشه‌ها، دیدگاه انتقادآمیزی از وضعیت موجود داشته باشند.

۵. تأثیر مثبتی بر اعتماد به نفس گذاشته و مولد سرمایه اجتماعی هستند.

۶. موجب گسترش و تعمیق شبکه روابط اجتماعی می‌شوند.

در کشور ما، به لحاظ تاریخی هر چند مفهوم مشارکت و معادل‌های بومی آن نظیر تعاون و همیاری سابقه طولانی در حیات اجتماعی و فرهنگی مردم دارد، برداشت مدرن از مشارکت که مبتنی بر اصالت عمل اجتماعی است نه تنها سابقه چندانی ندارد، بلکه به نظر می‌رسد در عرصه‌های مختلف به‌هیچ وجه نهادینه نشده است. مشارکت در اندیشه و عمل مردم و مسئولان، حداکثر تا سطح یک رفتار بازتابی نه چندان فعال مبتنی بر اهداف ابزار گرایانه که بیشتر در موقعیت‌های ویژه (عمدتاً سیاسی) و در پاسخ به درخواست‌های مشروعیت خواهانه مسئولان، تقلیل یافته است. هر چند که در سال‌های اخیر با مطرح شدن مفاهیمی

نظیر جامعه مدنی، حقوق شهروندی و..... ادبیات مشارکت در معنای نوین آن در بین نخبگان و اندیشمندان گسترش یافته، اما همچنان به نظر می‌رسد مفهوم فوق تا نهادینه شدن در سطح جامعه راهی طولانی فرا روی داشته باشد.

فرضیه‌های پژوهش

۱. هر اندازه شناخت افراد از ابعاد مشارکت بیشتر باشد گرایش به مشارکت آنها نیز بیشتر خواهد بود.
۲. هر اندازه ارزیابی افراد از پیامدهای مشارکت مثبت‌تر باشد گرایش به مشارکت آنها نیز بیشتر خواهد بود.
۳. انگیزه افراد در برآوردن توقعات دیگران بر رابطه بین تصور آنها از قضاوت مردم در مورد مشارکت و گرایش فرد به مشارکت موثر است.
۴. هر قدر افراد سابقه بیشتری در انجام فعالیت‌های مشارکتی داشته‌باشند، گرایش آنها به مشارکت بیشتر خواهد بود.
۵. هر قدر میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان بالاتر باشد، گرایش آنها به مشارکت بیشتر خواهد بود.
۶. بین میزان بی‌قدرتی و گرایش افراد به مشارکت رابطه معکوس وجود دارد.
۷. بین فراهم بودن زمینه‌ها و امکان مشارکت از نظر فرد و گرایش به مشارکت رابطه مثبت وجود دارد.
۸. هر اندازه فرد احساس تعلق بیشتری به محل سکونت خود داشته باشد گرایش وی به مشارکت افزایش خواهد یافت.
۹. هر قدر شبکه روابط اجتماعی فرد قوی‌تر باشد، گرایش وی به مشارکت بیشتر است.
۱۰. هر اندازه افراد رضایت بیشتری از خدمات و عملکرد شهرداری داشته باشند گرایش آنها به مشارکت بیشتر خواهد بود.

ابعاد مفهوم مشارکت

واژه مشارکت^۱ از حیث لغوی به معنی با همدیگر عمل کردن، به عهده گرفتن، سهمی از چیزی بردن و عمل متقابل اجتماعی در یک گروه است. در مورد معنای اصطلاحی آن نیز نظرهای مختلفی وجود دارد که در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تاثیرپذیری دانست. با پذیرش این معنی برخی صاحب نظران، تعریف زیر را برای مشارکت عرضه کرده‌اند:

«مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند.» (طوسی، ۱۳۷۰: ۵۴).

از دید فلسفی بنیادی‌ترین اندیشه مشارکت‌پذیرش اصل برابری انسان‌هاست. اندیشه دیگر این است که مشارکت یک فرآیند است و نه یک فرآورده و پیامدی ساکن و ایستا. در چنین مفهومی، مشارکت بر جنبه‌های معنوی و روانی، بالندگی و رشد شخصیت انسان تاکید دارد و به ارزش‌های والای شکوفا کردن خود و تامین نیازهای متعالی وی نظر دارد. طبق اصل برابری مشارکت، مردم هر گاه در پیوند با یکدیگر، از ارزش و اهمیت یکسان برخوردار باشند، آن‌گاه مشارکت میان آنان موجب تحرک، رشد و تغییر شده و بهره‌های فراوانی را برای همه فراهم می‌کند. (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷)

طبق اصل فرآیندی بودن مشارکت، این پدیده بر ارتباط گسترده میان افراد و تعامل آزاد آنان تاکید دارد. این اصل اساساً بر پنج ارزش بنیادی تاکید دارد که عبارتند از: (همان: ۲۵۷)

۱. ارج نهادن به شخصیت والای انسان و حق نظارت بر سرنوشت خویش.
 ۲. فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش انسان‌ها.
 ۳. ایجاد مسئولیت و تعهد درونی در افراد.
 ۴. سهمیم کردن افراد در قدرت و اختیار و ایجاد زمینه مناسب برای تصمیم‌گیری موثر و عقلانی.
 ۵. فراهم کردن فرصت‌های پیشرفت برای افراد در رده‌های زیرین جامعه.
- در مجموع مشارکت شامل سه جزء مهم است که عبارتند از: درگیری ذهنی و عاطفی، یاری دادن و مسئولیت‌پذیری است و درک عمیق مفهوم مشارکت مستلزم بررسی بیشتر این سه جزء است

۱. **درگیری ذهنی و عاطفی:** مشارکت پیش از هر چیز دیگر، به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده و تنها به کوشش‌های فیزیکی محدود نمی‌شود. در مشارکت، خود شخص نیز درگیر است و تنها مهارت و توانایی‌های وی یا امکانات فراهم شده به دست وی درگیر نیست. این درگیری روانشناختی است و نه جسمانی. انسانی که مشارکت می‌کند خود - درگیر است و نه کار-درگیر. اگر خود احساس کند به صورت واقعی در امور مشارکت داده شده است، به خود-درگیری دست می‌یابد. (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۶)
۲. **یاری دادن:** شخص در مشارکت این فرصت را می‌یابد که از قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده نماید. از این رو مشارکت با موافقت فرق دارد. در موافقت، موافقت‌کننده یاری ویژه‌ای نمی‌کند، بلکه تنها آنچه پیش رویش می‌گذارند، تصویب می‌کند. در واقع در موافقت، نقش اصلی را تصمیم‌گیرنده بازی می‌کند که می‌کوشد تا با استفاده از توانایی‌های خویش، جمع را به موافقت وا دارد. اما مشارکت چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای تصمیم‌گیری پیش‌گرفته شده است. مشارکت یک داد و ستد اجتماعی دوسویه میان مردم است و نه روش قبولاندن اندیشه‌های مسئولان بالا دست. در واقع در مشارکت نقش اصلی با مشارکت‌کننده است که می‌کوشد تا توانایی‌های خویش را آشکار سازد. (همان: ۱۶)

۳. **مسئولیت‌پذیری:** مشارکت، اشخاص را بر می‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت بپذیرند. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، هم‌سرنوشتی و مسئولیت بدهد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۶).
- تحقق مشارکت مستلزم فراهم آمدن برخی پیش‌نیازهاست که تعدادی از آنها در وجود مشارکت‌کنندگان و تعدادی دیگر در محیط پیرامون جای دارند. عمده‌ترین این پیش‌نیازها که تحقق و کارآئی مشارکت را تعیین کرده و سطح آن را مشخص می‌سازند عبارتند از:
۱. **فراهم بودن زمینه مشارکت:** مشارکت به سختی ممکن است در زمان اضطرار و فوریت و قبل از آنکه زمینه‌های آن فراهم شده باشد به نحوی مناسب تحقق یابد.
 ۲. **فایده‌مندی مشارکت:** فواید احتمالی مشارکت باید بر هزینه‌های آن فزونی داشته باشد.
 ۳. **مورد علاقه بودن موضوع مشارکت:** موضوع مشارکت باید مشخص و مورد علاقه افراد باشد، در غیر این صورت آنان به مشارکت همانند سرگرمی و یا از سراضطرار خواهند پرداخت. به هر حال پایداری مشارکت با علاقه فرد پیوند دارد.
 ۴. **وجود توانائی‌های فردی:** مشارکت‌کنندگان باید از توانائی‌های لازم (مانند شناخت و دانش کافی، توانائی برقراری ارتباط متقابل، امکانات مالی و ...) برخوردار بوده تا بتوانند در مشارکت کارآمد باشند.
 ۵. **عدم احساس تهدید:** فرد مشارکت‌کننده نباید احساس کند که مشارکت جایگاه و موقعیت او را تهدید خواهد کرد.
 ۶. **آزادی:** مشارکت هنگامی معنا دارد که فرد امکان انتخاب و آزادی اختیار داشته باشد (همان: ۱۷).

گرایش به مشارکت

مطالعات نظری گذشته حاکی از این است که یکی از کارآمدترین نظریه‌ها در تبیین مشارکت نظریه آیزن-فیش^۱ باین است که با به کارگیری آن در تبیین مشارکت، متغیرهای اصلی موثر بر میزان مشارکت شهر می‌گردند (علوی تبار ۱۳۷۹: ۲۲).

آیزن و فیش باین در پی یافتن یک نظریه برای تبیین رفتار به نقش گرایش اشاره می‌کنند. به نظر آنها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل بوجود می‌آید. حلقه ما قبل بروز رفتار «قصد و نیت» و هنجار ذهنی است، که به وجود آمدن «قصد و نیت» نیز به نوبه خود تابع دو متغیر گرایش به سوی رفتار و هنجار ذهنی است.

متغیر اول (گرایش به سوی رفتار) یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد، انجام یک رفتار را از نظر خود ارزیابی می‌کند که آیا خوب یا بد است. متغیر دوم (هنجار ذهنی) منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام یک رفتار احساس و ادراک می‌کند.

میزان تأثیر هر یک از این دو متغیر در به وجود آمدن قصد و نیت همیشه یکسان نیست و بستگی به شخصیت فرد و اوضاع اجتماعی دارد.

۱. **گرایش:** در این نظریه گرایش به نوبه خود تابع دو عامل انتظار فایده و ارزیابی فایده در نظر گرفته شده است. انتظار فایده به معنی آن است که یک شخص تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد. این عامل مستقیماً با میزان سرو کار داشتن و نیز شناخت فرد از پدیده مورد نظر و نیز میزان درک وی از اهمیت آن ارتباط دارد. در ارزیابی فایده که معنی آن نسبتاً روشن است، شخص ارزیابی می‌کند که آیا آن پدیده برای او فایده‌ای در برداشته است یا نه؟

۲. **هنجار ذهنی:** همان‌طور که گفته شد در نظریه فیش باین - آیزن هنجار ذهنی منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی روی شخص برای انجام یک رفتار است. بدین معنی که شخص به اینکه تا چه حد رفتارش مورد تأیید یا توبیخ افراد یا گروه‌های خاصی قرار خواهد گرفت توجه دارد. این افراد یا گروه‌ها در واقع نقش مرجع هدایت‌کننده رفتار را دارند که ممکن است پدر و مادر، دوستان نزدیک، همکاران و یا اهالی محل باشند و اصطلاحاً در جامعه‌شناسی به آنها دیگران مهم^۱ گفته می‌شود. متغیر هنجار ذهنی خود به دو عامل دیگر تجزیه می‌شود. چگونگی ارزیابی یک رفتار خاص از سوی دیگران از نظر فرد و انگیزه فرد برای پیروی از انتظارات دیگران (یعنی آیا اصلاً ارزیابی دیگران در مورد پدیده یا رفتار مورد نظر برای فرد مهم است یا نه) (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۱-۹).

اقدام به کنش (مشارکت) به دست فرد هنگامی صورت می‌پذیرد که اولاً قصد و نیت او برای مشارکت شکل گرفته و او انگیزه کافی برای مشارکت را یافته باشد، ثانیاً امکان مشارکت برای فرد خواهان آن فراهم شده باشد. هر یک از این دو عامل تحت تأثیر عوامل دیگری مشخص و تعیین می‌گردد که مروری اجمالی بر آنها به درک بهتر مطلب کمک می‌کند.

بر این اساس نخستین سازه مؤثر بر قصد به مشارکت، اطلاعات فرد در مورد مشارکت است، حداقلی از دانش در مورد یک پدیده یا رفتار لازم است تا ذهن فرد نسبت به آن کنجکاو شده و بتواند آن را موضوع احساسات مثبت یا منفی خود قرار دهد. علاوه بر درک معنی مشارکت، لازم است نسبت به انواع ممکن آن نیز شناخت نسبی حاصل گردد.

دومین سازه مشارکت، تصور فرد از پیامدهای آن است. فردی که اجمالاً می‌داند مشارکت چیست، بایستی در این زمینه نیز اندیشه کند که در اثر اقدام به مشارکت چه چیزی حاصل می‌گردد؟ برخی پیامد اصلی مشارکت را امکان دفاع از منافع فردی و خانوادگی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌دانند و برخی دیگر آن را محملی برای شکوفایی استعدادهای بالقوه.

سومین عامل مؤثر در شکل‌گیری انگیزه‌های درونی مشارکت، ارزشمند دانستن پیامدهای متصور برای مشارکت است. به طور مثال اگر کسی پیامد مشارکت را افزایش حضور اجتماعی بداند، اما در داوروی‌های خود برای حضور بیشتر اجتماعی ارزشی قایل نباشد، ارزیابی مثبت و برانگیزاننده‌ای در مورد مشارکت نخواهد داشت. (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۲۴)

همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد تنها گرایش‌های فردی نیست که زمینه مساعد درونی برای مشارکت را پدید می‌آورد، بلکه هنجارهای اجتماعی نیز در این باره نقش موثری ایفا می‌کنند. از این رو می‌توان دو سازه مهم هنجارهای اجتماعی یعنی تصور فرد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت و میزان علاقه فرد به برآوردن توقعات دیگران را در این زمینه موثر دانست. (همان: ۲۵)

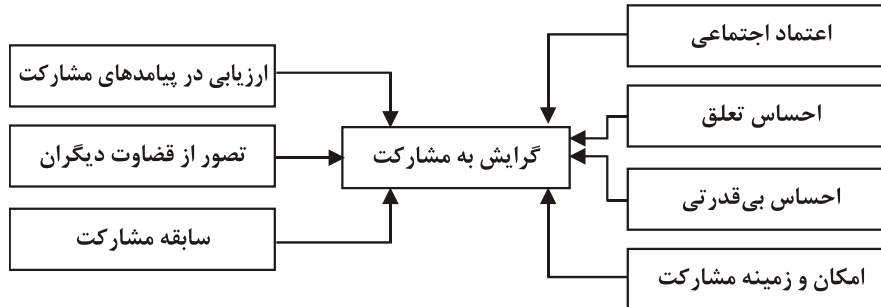
عامل دیگری که می‌تواند نقش تسهیل‌کننده و یا مانع را در ایجاد انگیزه برای مشارکت بازی کند، سوابق فرد در زمینه مشارکت است. مشاهدات تأیید می‌کنند که افراد دارای سابقه مشارکت در امری خاص معمولاً برای تکرار آن انگیزش بیشتری دارند. البته اگر مشارکت قبلی افراد پاداش مناسب اجتماعی در پی داشته باشد. (همان: ۲۵)

در صورت مساعد بودن عوامل فوق قصد مشارکت در فرد پدید می‌آید. اما تنها قصد و نیت، برای اقدام به مشارکت کافی نیست، بلکه وجود امکان و اوضاع لازم برای اقدام نیز ضرورت دارد.

امکان مشارکت دو جنبه متفاوت را در برمی‌گیرد: از یک سو به نظام قانونی و نهادی جامعه باز می‌گردد. قوانین یک جامعه چارچوب‌های قابل قبول و رسمیت یافته کنش‌های اجتماعی را مشخص می‌سازند و نیز حقوق متقابل افراد و وظایف مرتبط با این حقوق را تعیین می‌نمایند. نهادها (رسمی و غیررسمی) پاسخ‌های نسبتاً پایداری هستند که از طرف مردم یک جامعه به مسائل و مشکلات نسبتاً پایدار داده شده است. نهادها که جنبه‌های با ثبات‌تر زندگی جمعی را تشکیل می‌دهند، نشان‌دهنده این هستند که آیا جامعه امر خاصی را به عنوان ضرورت و نیاز زندگی جمعی به رسمیت شناخته است یا خیر؟ وجود نهادهایی در زمینه مشارکت نیز حاکی از چنین دلالتی هستند. علاوه بر وضعیت قانونی و نهادی، امکانات دیگری نیز برای مشارکت ضروری است؛ به عنوان مثال برای مشارکت در تصمیم‌گیری لازم است فرد از حداقلی از دانش، اعتماد به نفس و اعتماد به نهادها و فرآیندهای جاری در جامعه برخوردار باشد یا مثلاً بری مشارکت در تأمین مالی طرح‌ها، داشتن حداقل امکانات مالی کاملاً ضروری است (همان: ۲۵)

از مجموع آنچه تا کنون گفته شد می‌توان نتیجه گرفت نظریه کنش آیزن- فیش باین، قابلیت‌های مناسبی جهت تبیین مفهوم مشارکت در تحقیق حاضر را دارا است. از این رو با عنایت به نظریه مذکور و آنچه در مورد سایر عوامل و متغیرها براساس ادبیات نظری و تجربی موجود مطرح گردید از الگوی زیر جهت تبیین وضعیت مشارکت شهروندان استفاده شد:

الگوی تبیین مشارکت شهروندان



روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایش^۱ است. در این روش اطلاعات مورد نظر از یک جمعیت نمونه معرف گردآوری شده و نتایج به کل جامعه آماری تعمیم داده می‌شود.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این بررسی همه خانوارهای ساکن در منطقه ۱۷ شهر تهران بوده است که براساس آخرین آمار تعداد آنها به ۶۶۷۱۱ خانوار بالغ می‌شده است. حجم نمونه نیز بر حسب فرمول کوکران ۱۰۵ نفر از ساکنین این منطقه است که به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

یافته‌های تحقیق

۱. یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی تحقیق در مورد متغیرهای فردی و زمینه‌ای حاکی از آن است که ۴۷/۲ درصد از پاسخگویان را مردان و ۵۲/۸ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. از نظر سنی میانگین سن پاسخگویان ۳۴/۴۴ سال گزارش شده است. وضع سواد ۷/۴ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، ۶/۹ درصد خواندن و نوشتن، ۱۵/۳ درصد ابتدائی، ۲۴ درصد راهنمائی، ۳۸ درصد دیپلم، ۳/۶ درصد فوق دیپلم، ۴/۹ درصد لیسانس و بالاتر بوده است. از نظر وضع فعالیت، ۲۴ درصد شاغل و حدود ۶۶ درصد غیرشاغل گزارش شده‌اند. میانگین تعداد اعضای خانوارهای مورد مطالعه ۴/۶ نفر، قومیت ۳۶/۲ درصد آنها فارس، ۶۰/۴ درصد ترک، ۱/۸ درصد لر و ۱/۶ درصد کرد بوده است. از نظر منشأ جغرافیایی ۳۴/۳ درصد اهل تهران، ۳۷/۱ درصد اهل شهرهای بزرگ نظیر تبریز، اصفهان، شیراز، مشهد و، ۲۷ درصد شهرهای کوچک و ۱/۶ درصد اهل

روستا بوده‌اند. میانگین سکونت خانوارهای مورد مطالعه در تهران ۲۸ سال و در منطقه ۱۷، ۲۱ سال گزارش شده است.

جدول شماره ۱: توزیع نسبی پاسخگویان برحسب متغیرهای مهم تحقیق (N=1088)

ردیف	گویه	زیاد(۳)	متوسط(۲)	کم (۱)	میانگین	انحراف معیار
۱	شاخص گرایش به مشارکت	۳۲/۸	۳۹	۲۸/۲	۲/۱	۰/۷۸
۲	شاخص معنی و مفهوم مشارکت	۷۱/۱	۲۴/۲	۴/۷	۲/۷	۰/۵۶
۳	شاخص ارزیابی از پیامدهای مشارکت	۵۳/۹	۳۵/۲	۱۱/۱	۲/۴	۰/۶۸
۴	شاخص تصور از قضاوت دیگران	۲۶/۲	۳۴/۳	۳۹/۵	۱/۹	۰/۸۰
۵	شاخص شبکه روابط اجتماعی	۵۳/۸	۲۳/۰	۲۳/۳	۲/۳	۰/۸۲
۶	شاخص سابقه مشارکت	۲/۸	۳۰/۲	۶۷	۱/۴	۰/۵
۷	شاخص رضایت از خدمات و عملکرد	۶/۸	۴۹/۳	۴۳/۹	۱/۶	۰/۶۱

جدول شماره ۲: توزیع نسبی پاسخگویان برحسب دیگر متغیرهای مهم تحقیق (N=1088)

ردیف	گویه	کاملاً موافق (۵)	موافق (۴)	بی‌تفاوت (۳)	مردود موافق (۲)	کاملاً مردود (۱)	میانگین	انحراف معیار
۱	شاخص امکان و زمینه مشارکت	۲/۳	۱۲/۳	۴۰	۳۶/۳	۸/۱	۲/۶	۰/۹
۲	شاخص احساس بی‌قدرتی	۴/۴	۱۸/۸	۳۹/۱	۳۱/۸	۵/۸	۲/۸	۰/۹
۳	شاخص میزان اعتماد	۰/۴	۲/۷	۱۳/۹	۴۳/۳	۳۹/۸	۱/۸	۰/۷۸
۴	شاخص احساس تعلق	۱۰/۹	۲۷/۳	۲۲/۳	۲۲/۴	۱۷/۲	۲/۹	۱/۳

یافته‌های توصیفی تحقیق در مورد متغیرهای اصلی مشارکت نشان می‌دهند در مجموع میزان گرایش به مشارکت در امور شهری به عنوان متغیر وابسته تحقیق، بیشتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود (میانگین: ۲/۱) و انحراف معیار: ۰/۷۸). که در این میان گرایش به تشویق دیگران به مشارکت بیشترین میزان و کمک مالی به شهرداری کمترین میزان گرایش به مشارکت را منعکس ساخته است.

همچنین ارزیابی پاسخگویان نسبت به پیامدهای مشارکت در کل مثبت است. که در بین ابعاد این ارزیابی، فراهم آوردن امکان اصلاح امور و خدمت به مردم از بقیه موارد مثبت‌تر مشاهده شده است و در میان عوامل هزینه‌آور، اتلاف وقت اهمیت بیشتری داشته است.

- در مجموع تصور پاسخگویان از قضاوت دیگران در مورد مشارکت در امور تصور مثبتی است.

- وضعیت روابط اجتماعی در سطح محلات منطقه مورد مطالعه در بین مردم دارای استحکام نسبی است و در میان ابعاد مختلف آن، الزام به شرکت در عزا و سوگواری اهالی محل شدت بیشتری را نشان می‌دهد.

- سابقه مشارکت پاسخگویان در فعالیتهای مشارکتی در کل کم ارزیابی می‌شود و در میان انواع فعالیتهای مشارکتی، حساسیت نسبت به اموال، امکانات و نظافت شهر و پرداخت به موقع عوارض

۱. متغیرهای جدول شماره ۲ صرفاً به دلیل یکسان نبودن طیف، از متغیرهای جدول شماره ۱ جدا شده اند.

بیشترین میزان و فعالیتهائی نظیر شرکت در انجمن‌ها و مجامع صنفی و نامزد شدن در انتخابات آپارتمان، کمترین میزان را نشان می‌دهند. در مجموع صورتهائی از مشارکت که به انواع سنتی آن گرایش دارد مقادیر بالاتری را نسبت به صورتهای نوین مشارکت نشان می‌دهند.

- میزان بی‌قدرتی در بین جامعه مورد مطالعه در سطح نسبتاً متوسط، میزان اعتماد اجتماعی در حد کم، احساس تعلق به محل در حد متوسط، وجود زمینه و امکان مشارکت در امور شهر از نظر مردم در حد کم مشاهده شده است.

- در یک ارزیابی کلی میزان رضایت پاسخگویان از عملکرد و خدمات شهرداری در حد پائینی است. در میان انواع خدمات و عملکردهای شهرداری، جمع‌آوری زباله و نحوه برخورد کارکنان شهرداری و نحوه دریافت عوارض راضی‌کننده‌تر از بقیه موارد بوده و نحوه رسیدگی به شکایات، نظافت عمومی کوچه‌ها و خیابان‌ها و وضعیت فضای سبز منطقه نیز از عوامل اصلی نارضایتی مردم بوده است.

- در مورد راهکارهای افزایش مشارکت شهروندان، روش فراهم آوردن زمینه گفت و گو و ملاقات عمومی مردم به صورت آسان و مستمر با شهردار از نظر مردم مفیدتر از بقیه روش‌ها تشخیص داده شده است.



۲. عوامل موثر بر مشارکت شهروندان

جدول شماره ۳: ماتریس ضرایب همبستگی ابعاد اصلی مدل مفهومی مشارکت

شبکه روابط اجتماعی	رضایت از خدمات شهری	احساس تعلق به محل	بی قدرتی	اعتماد اجتماعی	زمینه و امکان مشارکت	سابقه مشارکت	تصور از قضاوت دیگران	ارزیابی از پیامدهای مشارکت	شناخت از مفهوم مشارکت	گرایش به مشارکت	
										1.000	گرایش
										1.000	شناخت
										1.000	ارزیابی
										1.000	تصور
										1.000	سابقه
										1.000	امکان
										1.000	اعتماد
										1.000	بی قدرتی
										1.000	تعلق
										1.000	رضایت
										1.000	روابط

*معنی دار در سطح ۰/۰۱ *معنی دار در سطح ۰/۰۵

براساس مندرجات جدول فوق، بین متغیر وابسته (گرایش به مشارکت) و متغیرهای مستقل مشارکت بر مبنای الگوی آیزن- فیش باین، رابطه معنی دار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت:

- هر اندازه افراد شناخت بیشتری از ابعاد مفهوم مشارکت داشته باشند، گرایش آنها به مشارکت در امور شهری بیشتر خواهد بود. ($r = ۰/۲۵۲, p = ۰/۰۰$)

- هر اندازه ارزیابی افراد از پیامدهای مشارکت مثبت تر باشد، گرایش آنها به مشارکت افزایش می یابد. ($r = ۰/۲۱۰, p = ۰/۰۰$)

- هر مقدار تصور افراد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت مثبت تر باشد، گرایش آنها به مشارکت بالاتر خواهد رفت. ($r = ۰/۱۴۱, p = ۰/۰۰$)

- هر اندازه سابقه مشارکت افراد در امور مختلف بیشتر باشد، میل و گرایش آنها به مشارکت بیشتر خواهد بود. ($r = ۰/۳۴۵, p = ۰/۰۰$)

- بین وجود زمینه و امکان مشارکت از نظر شهروندان و گرایش به مشارکت رابطه معنی داری وجود ندارد. ($r = ۰/۰۲۶, p = ۰/۰۵$)

- بین میزان اعتماد اجتماعی و گرایش به مشارکت رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. ($p = ۰/۰۵$) ،
($r = ۰/۰۶۰$)
- بین میزان احساس بی‌قدرتی و گرایش به مشارکت رابطه قابل توجهی از نظر شدت مشاهده نمی‌شود.
($r = - ۰/۰۸۸$, $p = ۰/۰۵$)
- هر اندازه رضایت شهروندان از خدمات و عملکرد شهرداری بیشتر باشد، گرایش آنها به مشارکت بیشتر خواهد بود. ($r = ۰/۱۷۰$, $p = ۰/۰۰$)
- هر اندازه شبکه روابط اجتماعی که فرد در آن حضور دارد مستحکم‌تر باشد، گرایش به مشارکت وی افزایش خواهد یافت. ($r = ۰/۲۰۷$, $p = ۰/۰۰$)
- هر مقدار فرد احساس تعلق بیشتری نسبت به محل سکونت خویش داشته باشد گرایش او به مشارکت بالاتر خواهد بود. ($r = ۰/۱۸۹$, $p = ۰/۰۰$)
- بین متغیرهای فردی و زمینه‌ای سن، مقدار هزینه ماهانه خانوار، مدت زمان سکونت در تهران، مدت زمان سکونت در منطقه ۱۷، بعد خانوار، منشاء جغرافیایی و تحصیلات با گرایش به مشارکت رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌شود.
- بین جنس پاسخگو و گرایش به مشارکت رابطه معنی‌دار وجود دارد و زنان کمتر از مردان تمایل به مشارکت در امور شهری دارند. ($T = ۲/۱۹۵$, $p = ۰/۰۲$)
- بین قومیت و گرایش به مشارکت رابطه معنی‌دار وجود دارد، البته این رابطه فقط در بین ترک‌ها و فارس قابل مشاهده است. در مجموع ترک‌ها بیشتر از فارس‌ها گرایش به مشارکت دارند. ($T = ۲/۸۰$, $p = ۰/۰۴$)
- اثر متغیرهای واسطه (بی‌قدرتی، اعتماد اجتماعی، احساس تعلق، زمینه و امکان مشارکت، شبکه روابط اجتماعی و رضایت از خدمات شهری) بر رابطه بین متغیرهای مستقل اصلی (شناخت، ارزیابی، تصور از قضاوت دیگران و سابقه مشارکت) با متغیر وابسته (گرایش به مشارکت) چندان تعیین‌کننده نمی‌باشد.
- اثر متغیرهای واسطه بر رابطه بین متغیرهای مستقل فردی و زمینه‌ای با متغیر وابسته (گرایش به مشارکت) تعیین‌کننده نیست.
- اثر متغیر انگیزه در برآوردن توقعات دیگران بر رابطه بین تصور از قضاوت مردم در مورد مشارکت و گرایش به مشارکت تا حد کمی تعیین‌کننده است، به طوری که با برداشتن این اثر مقدار رابطه دو متغیر به میزان ۰.۳٪ افزایش می‌یابد.
- تنها ۵ متغیر سابقه مشارکت. ($p = ۰/۰۰$, $Beta = ۰/۳۰۲$)، شناخت از مفهوم مشارکت. ($p = ۰/۰۰$, $Beta = ۰/۱۹۱$)، احساس تعلق به محل سکونت. ($p = ۰/۰۰$, $Beta = ۰/۱۳۵$)، سن پاسخگو. ($p = ۰/۰۰$, $Beta = - ۰/۰۹۹$) و ارزیابی از پیامدهای مشارکت. ($p = ۰/۰۱$, $Beta = ۰/۰۹۱$) در تحلیل چند متغیره تغییرات گرایش به مشارکت را تبیین می‌کنند. در مورد ۴ متغیر اول رابطه مستقیم و در مورد سن رابطه معکوس مشاهده شده است. ($r^2 = ۰/۱۹۸$, $p = ۰/۰۰$)

جدول شماره ۴: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرهای مستقل و واسط بر گرایش به مشارکت

متغیرهای پیش‌بینی کننده گرایش	ضریب اثر استاندارد شده	آزمون T	سطح معنی‌داری
سابقه مشارکت	۰/۳۰۲	۸/۷۸۶	۰/۰۰۰
شناخت از مفهوم مشارکت	۰/۱۹۱	۵/۶۰۴	۰/۰۰۰
احساس تعلق به محل	۰/۱۳۵	۴/۰۰۹	۰/۰۰۰
سن پاسخگو	-۰/۰۹۹	-۲/۹۲۵	۰/۰۰۴
ارزیابی از پیامدهای مشارکت	۰/۰۹۱	۲/۶۵۱	۰/۰۰۸
	R ² =0/198	SigF=0/000	F=36/287

بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون مندرج در جدول شماره ۴، از مجموع متغیرهای مستقل و واسط تحقیق که جهت پیش‌بینی میزان گرایش شهروندان به مشارکت در امور شهری وارد معادله شده‌اند تنها ۵ متغیر سابقه مشارکت، شناخت از مفهوم مشارکت، احساس تعلق به محل سکونت، سن پاسخگو و ارزیابی از پیامدهای مشارکت در معادله باقی مانده و بقیه فاقد سطح معنی‌داری لازم جهت حضور در آن بوده‌اند. معنی‌دار بودن آزمون F نشان‌دهنده آن است که متغیرهای پیش‌بینی برای حضور در معادله مناسب و مقدار ضریب تعیین $R^2=0/198$ نشان می‌دهد در مجموع نزدیک ۲۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای پیش‌بینی تبیین می‌گردد و بقیه تغییرات $(e = \sqrt{1 - R^2} = .81)$ بامتغیرهای خارج از تحقیق توضیح داده می‌شوند. در بین متغیرهای پیش‌بینی، سابقه مشارکت بیشترین تاثیر و پس از آن شناخت از مفهوم مشارکت، احساس تعلق به محل، ارزیابی پیامدهای مشارکت قرار دارند که با افزایش سطح آنها مقدار گرایش به مشارکت قابل افزایش است. در مورد سن نیز به دلیل معکوس بودن رابطه می‌توان نتیجه گرفت افزایش سن کاهش گرایش به مشارکت را در پی دارد.

در این بخش اثر متغیرهای مستقل و واسط بر ابعاد مختلف متغیر وابسته، با استفاده از تحلیل رگرسیونی که به طور جداگانه بر روی ابعاد گرایش به مشارکت انجام شده است بررسی شده و نتایج آن به صورت خلاصه در جدول شماره ۵ منعکس شده است.

جدول شماره ۵: ماتریس ضرایب تاثیر استاندارد شده رگرسیونی بین ابعاد متغیر وابسته و متغیرهای مستقل و واسط

متغیرهای پیش بین ابعاد متغیر وابسته	R ²	سابقه مشارکت	شناخت مفهوم مشارکت	ارزیابی از پیامدها مشارکت	تصور از قضاوت دیگران	اعتماد اجتماعی	احساس تعلق	تحصیلات	سن
گرایش به شرکت در جلسات بحث و تصمیم گیری در مورد منطقه	۰/۱۶۴	۰/۲۸۷**	۰/۱۷۵**	-	-	-	۰/۱۴۵**	-	-
گرایش به اظهار نظر در مورد مسائل منطقه	۰/۰۹۲	۰/۲۰۴**	۰/۱۶۳**	-	-	-	۰/۰۹۴**	-	۰/۰۸۹**
گرایش به کمک مالی به شهرداری	۰/۰۷۶	۰/۱۸۷**	۰/۱۰۱**	-	۰/۰۸۰*	-	-	۰/۱۰۲*	-۰/۱۴۷*
گرایش به پذیرش مسئولیت برای بهبود اوضاع	۰/۰۸۱	۰/۲۱۲**	۰/۱۱۵**	-	-	-	۰/۰۸۵*	-	-۰/۱۲۸*
گرایش به تشویق دیگران به مشارکت در امور	۰/۰۹۵	۰/۱۷۴**	۰/۱۴۷**	۰/۱۱۲**	-	۰/۰۷۹*	-	-	-

* معنی داری آزمون t در سطح ۰/۰۵ ** معنی داری آزمون t در سطح ۰/۰۱

طبق نتایج جدول شماره ۵، در بین ابعاد مختلف گرایش به مشارکت، گرایش به شرکت در جلسات بحث و تصمیم گیری از نظر میزان واریانس تبیین شده بهترین وضعیت را داراست، این بعد از گرایش تحت تاثیر ۳ متغیر سابقه مشارکت، شناخت مفهوم مشارکت و احساس تعلق قرار دارد. بعد دیگر گرایش، یعنی تمایل به اظهار نظر در مورد مسائل منطقه با واریانس توضیح داده شده معادل $R^2=0/092$ ، توسط ۴ متغیر سابقه مشارکت، شناخت از مفهوم مشارکت، احساس تعلق و سن است. در بعد گرایش به کمک مالی به شهرداری با ضریب تعیین $R^2=۰/۰۷۶$ ، ۵ متغیر سابقه مشارکت، شناخت از مفهوم مشارکت، تصور از قضاوت دیگران در مورد مشارکت، تحصیلات و سن معنی دار هستند که در این میان جهت معکوس رابطه تحصیلات و گرایش به کمک مالی جالب توجه است.

در بعد گرایش به پذیرش مسئولیت برای بهبود اوضاع منطقه با ضریب تعیین $R^2=۰/۰۸۱$ ، ۴ متغیر سابقه مشارکت، شناخت از مفهوم مشارکت، احساس تعلق و سن معنی دار است. در نهایت در بعد تشویق دیگران به مشارکت در امور با ضریب تعیین $R^2=0/095$ ، ۴ متغیر سابقه مشارکت، شناخت مفهوم مشارکت، ارزیابی از پیامدهای مشارکت و اعتماد اجتماعی معنی دار هستند. در مجموع از داده‌های رگرسیونی فوق می‌توان استنباط کرد ۲ متغیر سابقه مشارکت و شناخت مفهوم مشارکت در تبیین ابعاد مختلف گرایش حائز اهمیت بسزائی هستند، پس از آن متغیر احساس تعلق و سن پاسخگو قرار دارند. همچنین از نظر تبیین کنندگی با متغیرهای مستقل بعد شرکت در جلسات بحث و تصمیم‌گیری در صدر و گرایش به کمک مالی به شهرداری در ذیل ابعاد گرایش واقع شده‌اند.

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی گرایش شهروندان به مشارکت اجتماعی و با مطالعه شهروندان منطقه ۱۷ شهر تهران طراحی و اجرا شد. سوالات اصلی پژوهش ناظر به این مطلب هستند که در حال حاضر مشارکت شهروندان در چه وضعیتی قرار دارد و مهم ترین عوامل موثر به مشارکت شهروندان کدامند؟ به پیروی از الگوی نظری پژوهش و به ویژه با استفاده از یافته های تبیینی و همچنین تجارب و تاملات شخصی درباره موضوع مورد مطالعه، پیشنهادها و راهکارهای زیر عرضه می گردد:

- تشکیل و تقویت شوراهای محلی - رایزنی به عنوان محملی جهت جلب مشارکت شهروندان
- استفاده از سازمان های غیردولتی و افزایش ارتباط با آنها و در حد امکان تقویت این سازمان ها در جهت گسترش فرهنگ مشارکت.

- مشارکتی کردن مدیریت شهرداری ها با استفاده از:

۱. سازماندهی نظام پیشنهادها در سطح دریافت کنندگان خدمات شهری، پیمانکاران و....
 ۲. نظر خواهی مستقیم از مردم در برنامه های عمرانی و ... و در صورت امکان اعمال آن.
 ۳. عرضه گزارش عملکرد دقیق و جامع فعالیتها و اقدامات شهرداری به مردم.
 ۴. استفاده از حلقه های نظارتی مردمی جهت نظارت بر پروژه ها و حتی امور جاری شهرداری.
 ۵. تسهیل رابطه مستقیم و مستمر شخص شهردار با مردم.
- سازماندهی برخی فعالیتها و برنامه های مشارکتی مانند برنامه های زیست محیطی (فضای سبز، آلودگی، بازیافت زباله و...)، فرهنگی، ورزشی و ایمنی و... در سطوح مختلف شامل (مدارس، ادارات، اصناف و محلات) و در نظر گرفتن پاداش مناسب برای این فعالیتها.
 - انجام اقدامات هویت ساز در سطح محلات، نواحی و منطقه جهت افزایش حس تعلق افراد به محل سکونت خود.
 - توجه شهرداری به رضایت شهروندان و انجام نظرسنجی های مستمر جهت پیگیری این امر.
 - تأسیس تشکل هایی با محوریت زنان جهت افزایش مشارکت آنان.
 - در نظر گرفتن برنامه هایی برای باز توانی افراد دارای سنین بالاتر و ترغیب آنان به ایفای نقش و مشارکت در برنامه ها.
 - مبارزه با عوامل کاهنده اعتماد اجتماعی و فراهم نمودن بسترهای گسترش روابط اجتماعی.
 - انجام برخی فعالیت های نمادین مانند تعیین شهردار جوان، شهردار مدرسه یا شهردار زن و... به منظور جلب توجه اقبال تاثیرگذار جامعه.
 - گسترش فعالیت های آموزشی و فرهنگی جهت شناساندن مفهوم مشارکت، ابعاد و اهمیت و منافع آن در سطوح مختلف به ویژه برای کودکان و نوجوانان در سطح خانواده، مدرسه و ادارات با استفاده از تکنیک های نوین آموزشی به همراه پاداش های مادی و معنوی مناسب.
 - توجیه کردن و در صورت امکان آموزش رهبران محلی و افراد ذی نفوذ جهت زمینه سازی پذیرش اقدامات فرهنگی در مورد مشارکت.

- معرفی نمونه‌های موفق مشارکتی (افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها) در سطح ملی و بین‌المللی.
- زمینه‌یابی مسائل و مشکلات مختلف به ویژه مسائل خاص منطقه که با فعالیت‌های مشارکتی بهتر و سریع‌تر و تا حد امکان به دلخواه مردم قابل حل بوده و تاکید بر آنها در تبلیغات.
- جلب همکاری نخبگان علمی- فرهنگی منطقه جهت آموزش و تشویق مردم به مشارکت.
- در پایان لازم به ذکر است جلب مشارکت مردم نیازمند پیش فرض‌هایی است که بدون آنها چنین تلاشی چندان با موفقیت مواجه نخواهد شد. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:
 ۱. اعتقاد راسخ مدیر و مقامات تاثیرگذار به مدیریت مشارکتی و پشتیبانی جدی آنها از آن.
 ۲. اعتقاد کارکنان شهرداری به اثربخشی این نوع فعالیت‌ها.
 ۳. اجرا و تداوم فعالیت‌های مشارکتی در مواقع غیربحرانی.
 ۴. اطلاع از طولانی مدت بودن دستیابی به نتایج کار و داشتن صبر و حوصله لازم.
 ۵. ثابت بودن برنامه‌ها در منشور مدیریت شهری و عدم تغییر یا لغو آنها با تغییر مدیران.

منابع

- اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید (۱۳۷۰)، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستائی ترجمه منصور محمودزاده، تهران مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستائی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، محمدتقی دلفروز.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲) سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستائی.
- رهنورد، فرج الله (۱۳۸۵)، دیدمان مشارکت، تهران موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- طالب، مهدی (۱۳۷۵)، مدیریت روستائی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۹)، مدیریت و مشارکت کارکنان، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تجارب جهانی و ایران، جلد اول، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۰)، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، یافته‌های تجربی و راهبردها، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- کلدی، علیرضا (۱۳۸۱)، بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری، مطالعه‌ای در منطقه ۷ شهر تهران، فصلنامه جمعیت.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، نامه پژوهش، شماره ۱.

- میلر، دلبرت (۱۳۸۰) «راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی» ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشرنی.
- نقدی، اسدالله (۱۳۸۲) «انسان و شهر، درآمدی بر جامعه‌شناسی شهر» انتشارات فن‌آوران، همدان.
- Statistical Power Analysis For Behavioral Sciences (1988) 14-Cohen.j.
- Hill /NY: Lawrence Erlbaum.
- Ten Lessons Learned in Years of Public Participation»15-Connor.D.M (1999) connor development services Ltd.
- Public Partici pation In Canada (1996)»16- Connor.D.M connor development services Ltd.

